

کتابخانه

فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران

دفتر پانزدهم

خانه ها

بخش اول

مرکز اسناد و تحقیقات اسکندرمحسینی و شیرازی



مرکز اسناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی

گنجنامه

فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران

دفتر پانزدهم

خانه‌ها (بخش اول)

زیر نظر: کامبیز حاجی قاسمی

مدیر اجرایی: کیوان جورابچی

مدیر گروه تهیه و تنظیم نقشه‌ها: مهدی ممتحنی، مرضیه مهدی‌یار (تا اسفند ۱۳۸۰)؛ بتول ملااسدالله (تا تیر ۱۳۷۷)

گروه تهیه و تنظیم نقشه‌ها: مهدی ممتحنی، مهدی سقاءهراتی، داوود پورامینی، رضوان عابدی، نسرین سربانی، فیروزه نعیمی، سیدمحمد مصطفوی، محمدرضا انوری، مرجان عنایت‌اللهی، علیرضا قاراخانی، سیدمهدی موسوی‌خانقاه، حجت جلیل‌وند، معصومه دایی‌زهاب، حسن یگانگی، محمود الماسی، آرمان یوسفی، محمد نیکخواه، فرامرز جاودانی، موسی درویش، رافائل صدیق‌پور، راضیه خیراندیش، تهمنه شیخان، ندا رحیمی، شیدا اسحاقی

نویسنده متون: مهرداد قیومی‌بیدهندی

ویراستار متون فارسی: محمد پروری

گروه واژه‌نامه: کامبیز حاجی قاسمی، مهرداد قیومی‌بیدهندی، مریم‌دخت موسوی‌روضاتی، محمد پروری

نمونه‌خوانی: فرهاد مؤید بهارلو، افسانه قربان‌زاده

مترجم: فرزین فردانش

ویراستار متون انگلیسی: غزل نفیسه تابنده

گروه عکاسی: کیوان جورابچی، نوید مردوخ‌روخانی، حسین فراهانی، بهنام قلیچ‌خانی

گروه صفحه‌آرایی: مهرداد قیومی‌بیدهندی، نگین شعبانی، نیلوفر حسینی‌درپشتی، مهشید کرمی، مهستی ابرکار

خط: جلیل رسولی

امور اجرایی: محمد داورفرا

طراحی: یادای: هادی عادل‌خانی

هماهنگی انتشارات ناظر چاپ انتشارات روزنه

لیتوگرافی: رسیان

چاپ: ستاره سبز

صحافی: معین

شمارگان: ۱۰۰۰

۱۳۹۵

همه حقوق برای انتشارات دانشگاه شهید بهشتی محفوظ است.

کد ناشر: ۱۰۰۱۷۳۴

www.unipress.sbu.ac.ir

فروست: ۵۷۶

قیمت: ۸۰۰۰۰۰ ریال

حاجی قاسمی، کامبیز. ۱۳۳۰-

گنجنامه: فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران / زیر نظر کامبیز حاجی قاسمی؛ تهیه و تنظیم نقشه‌ها بتول ملااسدالله ... [و دیگران]؛ عکاسی کیوان جورابچی ... [و دیگران]؛ مترجم کلود کرباسی؛ تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، مرکز اسناد و تحقیقات، ۱۳۹۵.

۲۱ ج: مصور (رنگی)؛ (انتشارات دانشگاه شهید بهشتی؛ ۵۷۶)

ص.ع. به انگلیسی: Ganjnameh; Cyclopedia of Iranian Islamic Architecture

شابک (مجموعه): ۹۷۸۹۶۴۴۵۷۲۸۴۵ شابک (ج.۱۵): ۹۷۸۹۶۴۴۵۷۳۱۲۵

چاپ اول: ۱۳۹۵

مندرجات: دفتر اول: خانه‌های کاشان - دفتر دوم: مساجد اصفهان - دفتر سوم: بناهای مذهبی تهران - دفتر چهارم: خانه‌های اصفهان - دفتر پنجم: مدارس - دفتر ششم: مساجد - دفتر هفتم: مساجد جامع (بخش اول) - دفتر هشتم: مساجد جامع (بخش دوم) - دفتر نهم: بناهای بازار (بخش اول) - دفتر دهم: بناهای بازار (بخش دوم) - دفتر یازدهم: امامزاده‌ها و مقابر (بخش اول) - دفتر دوازدهم: امامزاده‌ها و مقابر (بخش دوم) - دفتر سیزدهم: امامزاده‌ها و مقابر (بخش سوم) - دفتر چهاردهم: خانه‌های یزد - دفتر پانزدهم: خانه‌ها (بخش اول) - دفتر شانزدهم: خانه‌ها (بخش دوم) - دفتر هجدهم: کاروانسراها - دفتر هجدهم: حمام‌ها - دفتر نوزدهم: کاخ‌ها و باغ‌ها (بخش اول) - دفتر بیستم: کاخ‌ها و باغ‌ها (بخش دوم).

معماری اسلامی - ایران - نقشه‌ها.

معماری اسلامی - ایران - عکس‌ها.

الف. قیومی‌بیدهندی، مهرداد. ب. ملااسدالله، بتول. ج. جورابچی، کیوان. د. فردانش، فرزین. ه. دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، مرکز اسناد و تحقیقات. و. عنوان.

NA ۱۳۹۴ ۸ گ ۱۴۸۰

۹۵۵/۷۲۰ گ ۱۳۹۵

فهرست

۷		دیباچه
۱۱		تهیه کنندگان نقشه‌ها
۱۱		عکاسان
۱۱		تاریخ تهیه عکس‌ها و نقشه‌ها
۱۲		شماره فضاها
۱۲		کوتاه‌نوشت‌ها و نشانه‌ها
۱۲		توضیحات
۱۲		واژه‌نامه
۱۶		فهرست منابع
۱۷		موقعیت شهرهای آثار این دفتر در کشور
۱۸		ابر قو
۲۶		اردکان
۳۴		خانه طالعی
۴۰		اصفهان
۴۶		خانه بهشتیان
۵۲		خانه حاج حسین وکیل
۶۰		خانه زرگرها
۶۸		خانه صیرفی و یداللهی
۷۴		بابل
۸۰		خانه حریری
۸۶		بروجرد
۹۲		خانه و حسینیۀ ملا آقا جان
۱۰۰		خانه روغنی
۱۱۰		بندر لنگه
۱۱۸		بو شهر
		خانه نبوی
		خانه فاروق
		خانه دهدشتی
		خانه کازرونی
		خانه مهربان

۱۲۶	خانه اعتمادالدوله	تبریز
۱۳۴	خانه امیرنظام گروسی	
۱۴۰	خانه بهنام	
۱۴۶	خانه حاج مهدی کوزه‌گنانی (مشروطیت)	
۱۵۲	خانه سلماسی	
۱۵۸	خانه علوی	
۱۶۴	خانه اعلم السلطنه	تهران
۱۷۰	خانه امام جمعه	
۱۷۸	خانه امیربهادر	
۱۸۶	خانه پیرنیا	
۱۹۴	خانه قوام‌الدوله	
۲۰۴	خانه قوام السلطنه	
۲۱۴	خانه مستوفی‌المالک	
۲۲۲	خانه وصال	
۲۲۸	خانه عبدی	دزفول
۲۳۴	خانه عزیزی‌زاده	
۲۴۰	خانه احمدی	زواره
۲۴۸	خانه بتول نیری	
۲۵۴	خانه بهشتی	
۲۶۰	خانه حاج نیری	
۲۷۰	خانه طباطبائیان	
۲۷۶	خانه معتمدی	
۲۸۲	خانه هانی	

دیباچه

با آنکه معماری این سرزمین تاریخی چند هزار ساله دارد، تلاش هایی که برای شناسایی و معرفی آثار آن صورت گرفته است سابقه چندانى ندارد. تنها از چند دهه پیش محققان و پژوهشگران به بازنگری این آثار هنری پرداخته و کوشیده اند گرد و غبار گذشت قرون را از این گوهرهای تابناک بزدایند و تالاف چشم نواز آنها را دوباره آشکار سازند.

علل و عوامل آن بی توجهی طولانی و نیز این التفات ناگهانی به آثار تاریخی معماری بحثی مفصل می طلبد که در حوصله این مختصر نمی گنجد. همین قدر باید اشاره کرد که آن بی توجهی در واقع محصول توجه کامل و این التفات نتیجه بی التفاتی است؛ چه تا آن زمان که این آثار جزئی از زندگی مردم ما بود، لزومی به شناخت و معرفی آنها احساس نمی شد؛ اما آن گاه که بر اثر انقطاع فرهنگی رشته های اصالت دیرین گسسته شد و نشانه های بی ریشگی در همه چیز ظاهر گشت، تمایل به بازگشت به خود و یافتن هویت خودی نیز فزونی گرفت؛ و به این ترتیب، آثار معماری گذشته هم — مانند هر آنچه از اصالت گذشته نشانی داشت — محتاج بازشناسی و معرفی شد. ناگفته پیداست که راه این بازشناسی و ادراک دوباره سخت ناهموار و پرمخاطره است؛ و بزرگ ترین سنگ این راه نیز همان برهنگی فرهنگی و بیگانگی از خود است که راست ها را کج می نمایاند و بیراهه ها را راه. به هر حال، امروز در وضعی قرار گرفته ایم که ایوم شناسایی و درک آثار معماری گذشته بر هیچ کس پوشیده نیست. این حقیقت این امید را پدید می آورد که ان شاء الله روزی، تک تک این آثار گران بها و میراث غنی گذشتگان ما، که در سرتاسر این سرزمین پنهان و پراکنده است، به نحوی شایسته و صحیح باز شناخته شود تا برای رسیدن هنرمندان و معماران آینده به استقلال شخصیت هنری و فرهنگی چراغ راهی فراهم آید.

مجموعه حاضر را باید یکی از بلندترین گام هایی دانست که تا کنون در راه معرفی آثار ناشناخته این معماری برداشته شده است. این مجموعه را گنجنامه نامیده ایم؛ چون بر این باوریم که نشانه های گنجی را ارائه می دهد — گنجی که دستیابی به آن سرافرازی و استقلال در پی دارد. اهمیت این مجموعه از آنجا آشکار می شود که بدانیم نقشه هایی که تا کنون از بناهای ما، و اغلب به همت خارجیان، منتشر شده است از چندده عدد تجاوز نمی کند و کسی که بخواهد با این بناها انتشار یافته فقط تعداد اندکی از آنها را در بر می گیرد. بعلاوه، کیفیت نازل اغلب این مدارک محدود از ارزش و کارایی آنها بسیار کاسته است. گذشته از اینها، پراکندگی مدارک منتشر شده در کتب و مقالات مختلف، خود از موانع استفاده کامل از آنهاست. در مطالعه تاریخی بناها نیز برای دستیابی به اطلاعاتی اندک باید راه های طولانی پیمود. به این ترتیب، بی سبب نیست که شناسایی و بررسی آثار تاریخی و تحقیق و تتبع در این زمینه سخت دشوار و حتی گاه ناممکن می نماید.

پدید آوردن گنجنامه بر آن اند که با کنار هم آوردن و ارائه یکجای نقشه هایی کامل و خوانا و عکس های واضح و تاریخی و تنظیم شده، بر مبنای مهم ترین منابع انتشار یافته، از بیش از شصت اثر مهم تاریخی* — از مسجد و مدرسه گنبد تا خانه و حمام — هم راه تحقیق و پژوهش را در این زمینه بگشایند و هم اسباب تشویق و ترغیب محققان و کارشناسان و علاقه مندان را برای مطالعه و تفحص در این آثار فراهم آورند. انتخاب ترتیب موضوعی برای دفترهای گنجنامه — به جای ترتیب متداول جغرافیایی — بیشتر برای آن بوده است که صبغهای تحقیقی به مجموعه ببخشند و آن را به ابزاری کارآمد برای پژوهشگران بدل کند. شایان ذکر است که مصادیق یک نوع در آنجا که تعداد آنها در شهری از حد معینی بیشتر بوده تقسیم جغرافیایی، شهر به شهر، نیز یافته است؛ مثلاً در آنجا که خانه های قابل معرفی یک شهر به تعداد مناسب بوده، یک دفتر کامل به آنها اختصاص یافته است. بدین گونه، در همه حال، ترتیب موضوعی حفظ گردیده و ترتیب جغرافیایی پس از آن و به تناسب تعداد نمونه ها رعایت شده است. نکته دیگر آنکه این مجموعه یک شبه فراهم نشده است و محصول پشتکار و در حدود پنجاه سال تلاش استادان و دانشجویان دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی است؛ و به این ترتیب باید گفت که در حدود نیمی از دانش آموختگان هنر معماری در این کشور در شکل یافتن گنجنامه سهیم بوده اند. باید افزود که تنظیم و تدوین این مجموعه عظیم بدون حمایت مسئولان دانشگاه شهید بهشتی و دانشکده معماری و شهرسازی و نیز تلاش چندین ساله عده ای از دانشجویان همین دانشکده میسر نبود. بازسازی و تکمیل و تنظیم این مدارک از ابتدای سال ۱۳۷۱ش آغاز شده است و تا امروز ادامه دارد؛ و ان شاء الله که این نیروی جوان بتواند آن میراث کهن را باز زنده کند.

* در مقدمه دفترهای اول و دوم، تعداد آثاری که در گنجنامه معرفی می شوند بیش از چهارصد ذکر شده بود که با تلاش تنظیم کنندگان گنجنامه، برای هر چه کامل تر شدن آن تا کنون تعداد آنها به حدود شصتصد اثر رسیده است.

ذکر این نکته مهم نیز لازم به نظر می‌رسد که نقشه‌های ارائه‌شده در این مجموعه، چنان که گذشت، محصول کار دانشجویان معماری در زمان‌ها و دوره‌های مختلف است و قطعاً خالی از نقص و اشکال نیست. البته در رفع اشکالات این نقشه‌ها تلاش فراوان شده است؛ اما رفع کامل نقایص زمان و نیرویی بسیار می‌طلبید که انتشار مجموعه را شاید تا سال‌ها به تعویق می‌انداخت. لذا از آنجا که این مجموعه کامل‌ترین نقشه‌های بناهای تاریخی کشور را در بر دارد، تصمیم به انتشار آن گرفته شد تا به این طریق، گنجنامه هر چه زودتر در اختیار جویندگان گنج قرار گیرد. با توجه به آنچه گذشت، چنانچه مطلعان و اهل فن نقایصی را که در مجموعه می‌یابند به تنظیم‌کنندگان گوشزد کنند، بر آنان متی بزرگ نهاده‌اند.

چنان که گفتیم، دفترهای گنجنامه ترتیبی موضوعی دارد؛ و این مجموعه تقریباً همه انواع بنا را در بر می‌گیرد: پنج دفتر مختص معرفی خانه‌های سنتی در شهرهای مختلف (یک دفتر خانه‌های کاشان، یک دفتر خانه‌های اصفهان، یک دفتر خانه‌های یزد، دو دفتر خانه‌های شهرهای دیگر)؛ چهار دفتر شامل مساجد (یک دفتر مساجد اصفهان، یک دفتر مساجد شهرهای دیگر، دو دفتر مساجد جامع)؛ سه دفتر مربوط به امام‌زاده‌ها و مقابر؛ دو دفتر شامل بناهای بازار؛ یک دفتر ویژه مدارس؛ یک دفتر مربوط به کاروانسراها؛ یک دفتر خاص حمام‌ها؛ دو دفتر مختص کاخ‌ها و باغ‌ها؛ یک دفتر نیز استثنائاً شامل انواع بناهای مذهبی در تهران. فهرست‌های راهنمای مجموعه نیز در دفتر آخر خواهد آمد.

در اینجا باید از مساعدت‌ها و حمایت‌های همه‌جانبه و بی‌دریغ جناب آقایان دکتر هادی ندیمی، ریاست محترم اسبق دانشگاه شهید بهشتی، دکتر علی غفاری، ریاست سابق محترم دانشکده معماری و شهرسازی، دکتر اکبر حاجی‌ابراهیم زرگر، ریاست محترم دانشکده معماری و شهرسازی، و مهندس سیدمحمد بهشتی، ریاست محترم اسبق سازمان میراث فرهنگی کشور، که بدون کمک‌ها و راهنمایی‌های ارزشمندشان انتشار این مجموعه میسر نبود، و انتشارات روزنه، که نشر آن را بر عهده گرفته است، و همچنین دیگر کسانی که در شکل‌گیری و تالیف و انتشار گنجنامه نقش داشته‌اند تشکر و قدردانی شود.

خانه همدم همیشگی آدمی و آیینه تمام‌نمای فرهنگ و آبرهای او بوده است. معماری، در خانه است که بیش از همیشه به حوائج جسمانی و اطوار دلخواه روح آدمی نزدیک می‌شود. با این تصور، چه برای جستجوهای فرهنگی و چه به سبب کندوکاو در تجربیات فضا‌سازی و معماری یک قوم، خانه همتایی ندارد. در مطالعه سیر تحولات تاریخ معماری نیز خانه اهمیت بسیار علی‌رغم این اهمیت، متأسفانه به دلایلی که ذکر آن در این مختصر نمی‌گنجد، اطلاعات ما راجع به معماری خانه‌ها بسیار محدود است. در کتاب‌های معماری و تاریخ معماری نیز کمتر به خانه‌های سنتی اشاره شده است. خوشبختانه گنجنامه توانسته است پنج جلد از مجموعه بیست و یک جلدی خود را به خانه‌ها اختصاص دهد که تا کنون سه مجلد آن درباره خانه‌های کاشان و اصفهان و یزد (به ترتیب دفترهای اول، چهارم و چهاردهم) انتشار یافته و دو دفتر پانزدهم و شانزدهم گنجنامه نیز به خانه‌های سنتی در بیست و چهار شهر دیگر کشور می‌پردازند که در آن‌ها مجموعاً هفتاد و یک خانه معرفی شده‌اند.

البته تعداد خانه‌های معرفی شده در شهرهای مختلف یکسان نیستند. از یک شهر سیزده خانه ارائه شده و از پنج شهر بین چهار تا هشت خانه. این نابرابری از یک سو معلول در دسترس بودن یا نبودن خانه‌ها و مدارک مرتبط با آن‌هاست. از سویی دیگر محصول میزان سلامت بنای خانه‌ها در شهرهای مختلف. به علاوه، تفاوت ارزش و اعتبار معماری خاص آن‌ها نیز در انتخابشان مؤثر بوده است.

خانه‌ها معمولاً تاریخ ساخت دقیقی ندارند؛ اما در یک نگاه کلی به خانه‌هایی که در این دو دفتر آمده‌اند می‌توان احداث اغلب قریب به اتفاقشان را به قرن سیزدهم تا نیمه قرن چهاردهم هجری قمری منسوب کرد که مصادف با دوران حکومت قاجاریان است. تعداد اندکی از آنها نیز احتمالاً می‌توانند به اوایل حکومت پهلوی متعلق باشند. بدین صورت این مجموعه می‌تواند چهره خانه را در دوران قاجار بازنمایاند و سلیقه و ذائقه مردم را در فضا و فضا‌سازی خانه، در این دوره تحول معماری ایران، روشن سازد.

می‌دانیم که، به استثنای نمونه‌هایی اندک از دوران صفویان و زندیان، قدمت اکثر مصادیق باقی‌مانده خانه‌های سنتی در کشور به دوران قاجاریان باز می‌گردد. به این ترتیب معماری خانه‌های این دوره را باید مهم‌ترین دریچه‌ای دانست که از آن می‌توان به فضاهای زندگی مردم ما در دوره‌های پیشتر نیز نگریست. اما در عین حال نباید این نکته را از نظر دور داشت که معماری دوران

قاجار، به لحاظ ابداع و نوآوری در فضا و فضا سازی، دوره‌ای برجسته در تاریخ معماری ما است؛ امری که به خصوص در معماری خانه‌ها رخ می‌نماید. در واقع خاطره شیرینی که از طعم و کیفیت فضاهای خانه‌های سنتی در ذهن داریم تنها حاصل تجربه ما از فضای خانه‌های این دوره است.

آن فضاهای پر جذبه و دلنشین، لطیف و ظریف که امروز نیز جسم در آن احساس آرامش می‌کند و روح نوازش می‌بیند و خیال به پرواز درمی‌آید، همگی یادگار همین دوران‌اند. معماری‌ای ساده و مهربان که با مصالحی ابتدایی اما با انتظامی به سامان و اندازه‌ها و تناسباتی حساب شده و پرداختی ماهرانه فراهم آمده است؛ فضا سازی‌ای ظریف که با استفاده دقیق و به اندازه از همه خواص ماده، نور و سایه، آب و آسمان و گیاه صورت گرفته است. به عبارت دیگر در اینجا با هنر معماری، به معنای تام و اخص آن، مواجهیم.

دفترهای پانزدهم و شانزدهم گنجنامه با کنار هم نشاندن این تعداد خانه از شهرهای مختلف، که مجموعاً جغرافیای وسیعی از کشور را دربرمی‌گیرد، می‌توانند صور مختلف معماری خانه‌های باقی مانده را در جای‌جای این سرزمین، یکباره و یکجا، به تصویر کشند و تشابه‌ها و تفاوت‌های آنها را آشکار کنند. هرچند، نمی‌توان این تصویر را تصویری کامل و جامع تلقی کرد؛ چرا که در میان خانه‌های ارائه شده جای خانه‌های بعضی شهرهای دیگر خالی است. همچنین تعداد بناهای برخی شهرها نیز به حدی نیست که بتوان به درستی معماری خانه‌های آن‌ها را دریافت و ارزیابی کرد. اما به هر حال، امید است تصویری که از این دو دفتر حاصل می‌آید، به خصوص اگر آنچه در مجلدات پیشین گنجنامه راجع به خانه‌ها آمده است را با آن همراه کنیم، بتواند کلیت معماری و فضا سازی خانه‌های ما را در قرون گذشته به تصویر بکشد.

نگاهی موشکافانه به مجموعه خانه‌هایی که در این دو مجلد عرضه شده‌اند، در ورای ناهمانندی‌ها و تفاوت‌هایی که ابتدا به نظر می‌آیند، از شباهت‌ها و سازگاری‌هایی بنیادین حائز است. آثاری در همه صور مختلف خانه‌ها و شهرها و مناطق مختلف، که هر یک شرایط و مختصات خاص خود را دارند، یک حرف واحد ساری و جاری است و همه از یک اصل و جوهر برخوردار اند و اختلافی اگر هست همه در صورت است و بر حسب مقتضات معیاری و زمانی مشترک بین مردم که در هر پهنه و مکانی بر حسب ضرورت‌ها، شرایط و سلاقی گوناگون صورتی متمایز می‌یابد. سوره‌ای که آن را لهجه می‌نامیم.

همچنان که هر زبان مجموعه‌ای از واژه‌های مشخص و قواعد معین در ترتیب و ترکیب واژه‌هاست، معماری خانه‌های ما نیز جزء فضاهایی تعریف شده و معلوم و اصول و قواعدی روشن برای پیوند آن‌ها با یکدیگر دارد. تغییر چهره معماری خانه‌ها در شهرهای مختلف نیز، که با تصرفاتی محدود و حساب شده در جزء فضاها و اصول و قواعد ترکیب صورت می‌بندد، همانند لهجه‌هایی است که با تغییراتی در زبان مادر پدید آمده است. تغییراتی آنچنان که پیرایه این صورت جدید را با زبان اصلی نمی‌گسلد اما زبان را با شرایط و سلاقی متفاوت هماهنگ می‌کند.

حال باید پرسید که زبان مادر در معماری خانه‌ها کدام است و آن لهجه‌ها چگونه‌اند؟

در پاسخ ابتدا باید گفت که زبان مادر چیزی جدای از زبان عام معماری ما در سایر بناهای معماری قدیم نیست، که در خانه‌ها با تغییری خاص در واژگان و بعضی تفاوت‌ها در ترکیب‌ها و لحاظ کردن برخی ضروریات زندگی دائمی ظاهر شده است. در وهله بعد برخی از مهم‌ترین قواعد کلی آن زبان را به اجمال بسیار می‌توان چنین خلاصه کرد: درون‌گرایی و روی پوشیدن از بیرون و عطف توجه به درون؛ اهمیت بنیادین حیاط، فضایی باز که در میان فضاهای بسته شکل می‌گیرد و طبیعت کوچک اما تمامی را در میان بنا می‌نشاند؛ عرصه‌بندی دقیق فضاهای بسته به دور حیاط؛ ارتباط مؤکد فضاهای بسته با فضای باز میانی؛ نظم کامل فضاهای داخلی در مقابل بی‌نظمی جداره بیرونی بنا؛ ترکیب به سامان فضاهای پیرامون حیاط و اهم و فی‌الاهم کردن آنها؛ اهمیت عنصر میانی در همه ترکیب‌ها از کل تا جزء بنا؛ تأکید بر تنوع فضاها؛ حضور نظم هندسی از کل تا جزء بنا؛ وجود سلسله مراتب فضایی و آغاز و انجام پیدا کردن بنا و ...

عناصر یا واژگان فضایی خانه‌ها نیز برخی چون حیاط و ایوان از عناصر عمومی بناها هستند و بعضی دیگر چون تالار و سهدری و پنج‌دری و حوضخانه و سرداب و مهتابی از زندگی در خانه نشئت گرفته و تثبیت شده‌اند. آن قواعد و اصول کلی و این واژگان دستگاہی را برپا می‌کنند که معمار هنرمند خلاق با اتکاء به آن فضای سلیس و روان، به‌اندازه و به‌سامان، فرح‌زا و دلنشین و پرمطراوت و پرداخت شده دلخواه خود را خلق می‌کند.

اما آن لهجه‌ها کدام‌اند و چگونه شکل می‌گیرند؟ گفتیم که لهجه‌ها با تغییر و تصرف‌های محدود در زبان پدید می‌آید. این تغییرات به‌طور مثال با کاهش یا افزایش هجاهای کلمات در تلفظ رخ می‌نماید؛ یا از ادغام یا حذف یا تأکید بر برخی واژه‌ها

ناشی می‌شود. گاهی حتی تصرف در قواعد ساختاری زبان و دستورات صرفی کلمات هم در لهجه صورت می‌گیرد. اصول کلی و واژگان معماری خانه‌ها نیز، در شهرهای مختلف، برای نشستن بر بسترهای گوناگون و سازگاری با شرایط محیطی و اقلیمی و مقتضیات اجتماعی و اقتصادی و نیز سلايق و پسندها و عادت‌های قومی و محلی تغییراتی از همین نوع می‌یابند و گویی لهجه‌های متفاوتی را در همان زبان می‌سازند.

به طور مثال اهمیت یافتن ایوان و تأکید بر آن به عنوان یک عنصر فضایی در خانه‌های ابرقو و اردکان و بیش از آنها در یزد، تشخیص تالارها در اصفهان و سرداب‌ها در کاشان نه تنها نقطه‌ای شاخص و مؤکد در خانه ایجاد می‌کند که اسباب تمایز و تنوع بیشتر فضاها را فراهم می‌سازد. امری که این خانه‌ها را به وضوح از خانه‌های بعضی شهرهای دیگر مانند بوشهر یا شیراز، که فضاها اصلی‌شان بالنسبه یکسان‌اند، جدا می‌کند. ابداع صور مختلف و گوناگون از یک عنصر فضایی، که در خانه‌ها بسیار به چشم می‌آید، همانند تغییر شکل و صرف یک واژه در زبان می‌نماید. مثال آن می‌تواند ظهور تالارهای دورو در تبریز یا اصفهان و ناین باشد که برخلاف معمول، از پیش و پس، به دو حیاط مشرف‌اند. به همین شکل، اتاق ارسی صورتی تصرف شده از سه‌دری و پنج‌دری‌های متداول است که در شهرهای مختلف مصادیق فراوان دارد. از مثال‌های دیگر یکی صورت‌های گونه‌گون ایوان در شهرهایی است که این عنصر از اجزای مهم خانه است و دیگری، حوضخانه‌های بسته منفک از حیاط و حوضخانه‌های نیم‌باز متصل به حیاط است که دو شکل ناهمگون از یک عنصر فضایی به شمار می‌آیند.

همچنان که رله به‌های یک زبان گاهی واژه‌ای حذف یا واژه جدیدی بر اساس قواعد زبان مادر ساخته می‌شود، در معماری خانه‌ها نیز گاهی با حذف یک عنصر فضایی مهم مانند ایوان، مثلاً در اصفهان، مواجه‌ایم و زمانی با ظهور عناصری جدید همچون چهارصفه در زواره یا فضاها یا تالارمانند در معماری خانه‌های مازندران و گرگان.

در ترکیب عناصر فضایی با یکدیگر نیز صور گوناگونی دیده می‌شود که همه بر مبنای قواعد اصلی متداول شکل گرفته‌اند؛ مانند تغییرات قواعد جمله‌بندی واژگان در یک لهجه. از نمونه‌های جالب این گونه جمله‌بندی‌های فضایی می‌توان به ترکیب تالار با حوضخانه در کاشان، تالار و دو گوسوار به موب‌های مهم‌اش در اصفهان، تالار با سرداب زیرین‌اش در تبریز و تالارهای پیوسته پشت‌سرم در شهرهای مختلف اشاره کرد. همین‌طور می‌توان فضاهای تودرتوی گسترده را، مثلاً در بوشهر و بندرلنگه، یادآور شد که از به‌هم پیوستن سه‌دری‌ها و پنج‌دری‌ها حاصل شده‌اند.

گاهی نیز در معماری خانه‌ها، همچون زبان، دخل و تصرف در اصول و قواعد اصلی دیده می‌شود. از آن جمله است تضعیف پیوند مهم فضاهای زندگی با حیاط در بناهایی مانند خانه‌های شیراز و بوشهر که از قرارگیری فضاهای زندگی در طبقه فوقانی ناشی شده؛ یا نقض شدن قانون مهم و متداول عدم ارتباط فضاهای روزن خانه با محیط بیرونی که در سنج مثال‌های مهمی دارد. همین‌طور شکسته شدن نظم سازماندهی کلی فضایی خانه که در رفل و شوشتر به حد نظم هندسی تک‌فضاها کاهش یافته است.

به آنچه گفتیم می‌توان صورت‌های گوناگون آرایش حیاط‌ها، که هم بر مبنای قواعد و اصول کلی اتفاق افتاده است، یا تغییر در اندازه و تناسب فضاها را نیز افزود که بدون تغییر چندانی در طرح، چهره خانه را دگرگون می‌کنند. همچنین می‌توان از تغییر مصالح در خانه‌های شهرهای مختلف سخن گفت که تأثیر آن را در فضاسازی از مقایسه اجمالی حیاط خانه‌های شیراز با شهرهای دیگر متوجه می‌شویم. به همین ترتیب ممکن است از دگرگونی وسیعی یاد کرد که با تغییر در پرداخت سطوح و تزیینات در فضاهای مشابه صورت می‌گیرد. اینها همه و بسیاری نکات دیگر است که خانه‌های هر شهری را حال و هوای متفاوتی می‌بخشد و از شهر دیگر متمایز می‌کند.

در خاتمه شاید اشاره‌ای به خانه‌هایی که از تهران ارائه شده بحث را روشن‌تر نماید. در این خانه‌ها با زبانی کاملاً متفاوت در فضا و فضا سازی سر و کار داریم که در آن، نه از واژگان خانه‌های سنتی اثری باقی مانده و نه از اصول و قواعد آن زبان. این خانه‌ها بیشتر متعلق به اعیان و اشراف اواخر دوره قاجاریان‌اند و کاملاً متأثر از معماری فرنگ. در اینجا انتظام فضاها باز و بسته، قواعد سازمان‌دهی کلی فضاها، اهمیت فضاهای میانی، خصوصیات و تعاریف انواع اتاق‌ها و سایر عناصر فضایی، مختصات نما سازی‌ها، تزیینات و ... همه و همه سودایی دیگر در سر دارند و از ریشه‌ای دیگر سیراب می‌شوند.